

## نقش سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی؛ مطالعه موردی: دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

محمدباقر خرمشاد<sup>۱</sup> - فرزاد سوری<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۵/۹/۳۰ - پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۳۰

### چکیده

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیمی است که برخلاف بسط چندین دهه آن در محافل آکادمیک جهانی، در محافل داخلی ادبیات منقح و گسترده‌ای ندارد و به مفهومی چندبعدی تبدیل شده است. مسأله مقاله حاضر بررسی وضعیت کمی و کیفی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی نسل جوان است، بر نسبت میان مفاهیم «سرمایه اجتماعی»، «جامعه‌پذیری سیاسی» و «امر سیاسی» متمرکز شده است و از بین نهادهای دولتی متولی جامعه‌پذیری سیاسی در ایران، نهاد دانشگاه (با تاکید بر دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران) را به عنوان مطالعه موردی موضوع بررسی کمی و کیفی قرار داده است. پرسش این است که «سرمایه اجتماعی چه تأثیری بر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران دارد؟». با بهره‌گیری از روش کمی و ابزار پرسش‌نامه و شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده یا نامحدود، داده‌های به دست آمده نشان داد که شاخص‌های مربوط به متغیرهای اصلی این مقاله بر یک دیگر تأثیرپذیری مثبت داشته و در نتیجه به هر میزان که سطح سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بالاتر باشد، آن دانشگاه‌ها در تحقق کارویژه جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان مقطع کارشناسی خود موفق‌تر خواهند بود.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی، اعتماد، هنجار، شبکه‌های اجتماعی.

---

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران (نویسنده مسئول) mb.khorramshad@gmail.com  
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران farzad.s1364@yahoo.com

## مقدمه

در رشته علوم سیاسی تاکنون تحقیقاتی نظری و عملی در جهت فهم کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی در حوزه‌هایی مانند توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی صورت پذیرفته است. یکی از حوزه‌هایی که در بحث از کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی تاکنون مغفول مانده است؛ «نقش سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی» است. اهمیت این بحث از آن رو است که جامعه‌پذیری سیاسی در هر جامعه به طور عمده از طریق نهادهای دولتی صورت می‌پذیرد و وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی هر نهاد مانند «اعتماد»، «هنجارها» و «شبکه‌های اجتماعی» بر میزان اثر بخشی جامعه‌پذیری سیاسی و شاخص‌های عمده آن یعنی تأثیرگذاری بر «نگرش سیاسی»، «آگاهی سیاسی» و «مشارکت سیاسی» به مثابه شاخص‌های انتخابی این مقاله از مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی بسیار حائز اهمیت است. در این مقاله از بین نهادهای دولتی متولی جامعه‌پذیری سیاسی در جمهوری اسلامی ایران نهاد دانشگاه (دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران) به عنوان مطالعه موردی موضوع بررسی کمی و کیفی قرار خواهد گرفت تا بدین ترتیب به فهمی تازه از نسبت بین سرمایه اجتماعی و سیاست و امر سیاسی دست یافته و زمینه برای نائل آمدن به کشف عرصه‌ای جدید از کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی فراهم گردد.

با این تفصیل، در ارتباط با نهاد دانشگاه تلاش می‌گردد که در بین جامعه مخاطبان مورد نظر یعنی دانشجویان مقطع کارشناسی، در بخش اول شاخص‌های عمده سرمایه اجتماعی که نهاد دانشگاه از آن برخوردار است یعنی «اعتماد»، «هنجارها» و «شبکه‌های اجتماعی» مورد اندازه‌گیری قرار گرفته و پس از آن شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی یعنی «نگرش سیاسی»، «آگاهی سیاسی» و «مشارکت سیاسی» دانشجویان مورد سنجش قرار بگیرد تا نهایتاً به پرسش اصلی مقاله یعنی "سرمایه اجتماعی چه تأثیری بر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران دارد؟" پاسخ داده شود. فرضیه پرسش اصلی مقاله این است که به هر میزان که سطح سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بالاتر باشد، آن دانشگاه‌ها در انجام فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان مقطع کارشناسی خود موفق‌تر خواهند بود.

## پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران شماری آثار علمی تألیف گردیده است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: محسن رنانی در کتاب «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران» کوشیده است با آغازی ساده و قابل فهم برای هر علاقه‌مند به مباحث اجتماعی و اقتصادی توسعه و با ارتقاء گام به گام سطح تحلیل، چهارچوبی نظری برای تحلیل ابعادی از ناکامی فرآیند توسعه در ایران معاصر فراهم آورد. این اثر مبحث توسعه را در ارتباط با مفهوم سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد و با توجه به ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسعه در ایران به بعد سیاسی توسعه به طور اخص و اساساً کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی به طور اعم توجه کافی نداشته است. همچنین سید رحیم ابولحسنی در مقاله «کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی و سیاست» تلاش می‌کند تا مهمترین کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی را بررسی کرده و در راستای آسیب‌شناسی این موضوع، کژکارکردی‌های مترتب بر آن مورد شناسایی و بررسی قرار دهد. وجه افتراق این مقاله با موضوع مورد نظر در این پژوهش عدم شاخص‌بندی در عرصه‌های مختلف کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی مانند جامعه‌پذیری سیاسی، توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی است. در مقاله حسین رفیع با عنوان «سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی» نیز تلاش شده است تا ضمن تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی، نقش سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی «دانش‌آموزان» تبیین گردد. در این مقاله از جمله شاخص‌های مربوط به کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی و نسبت آن با جامعه‌پذیری سیاسی، شاخص فرهنگ سیاسی بررسی شده است. در نهایت مقاله «بررسی تأثیر خانواده بر جامعه‌پذیری سیاسی مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران» نوشته سیدحسن حسینی، محمد میرزایی ملکیان و زهره توکلی درصدد بررسی تأثیر خانواده و نوع روابط خانوادگی بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان کارشناسی (روزانه) دانشگاه تهران است، البته تلاش شده که تاثیر عوامل دیگر کنترل گردد. طبق یافته‌های تحقیق سه متغیر تاثیرگذار در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان به ترتیب اهمیت عبارتند از گروه همسالان، وسایل ارتباط جمعی و خانواده.

### چهارچوب نظری

جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان فرآیندی اطلاق کرد که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، از طریق کسب اطلاعات و تجربیات با وظایف، حقوق و نقش‌های سیاسی خویش در جامعه آشنا می‌شوند. در این فرآیند مؤلفه‌هایی مانند ارزش‌ها، ایثارها، نهادها، اعتقادات، آداب و رسوم و سایر مسائل سیاسی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و احتمال ایجاد تغییرات و یا تعدیل‌هایی در جریان این انتقال نیز وجود دارد. این دیدگاه بر نگرشی ذهنی و تفسیرگرایانه از این فرآیند شکل‌دهی تأکید دارد و بر سرمایه‌های غیرمادی و امکانات نرم افزاری نهادهای دخیل در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی تأکید دارد و از جمله این سرمایه‌های غیرمادی «سرمایه اجتماعی» است. سرمایه اجتماعی به نهادهای دخیل در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی کمک می‌کند تا در این روند عملکردی موفقیت‌آمیز داشته باشند. اهمیت این تحقیق را می‌توان در ضرورت توجه به ابعاد غیرمادی و اجرای هرچه موفقیت‌آمیزتر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی نسل جوان و به خصوص دانشجویان، به مثابه مهم‌ترین عامل پیوند دهنده یک نظام سیاسی با جامعه موجود در میان آن دانست که موجب تداوم حیات و بقا نظام سیاسی می‌شود. ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که توجه به بهبود وضعیت سرمایه اجتماعی و و شاخص‌های مورد نظر آن در این تحقیق می‌تواند از هزینه‌های مادی معطوف به حوزه جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان به طور اعم و نسل جوان و دانشجویان به طور اخص بکاهد. این مقاله با بهره‌گیری از تئوری رابرت پاتنام در خصوص مفهوم سرمایه اجتماعی تنظیم شده است. اولین توصیه‌های پاتنام به بحث‌های سرمایه اجتماعی از اواخر مطالعات وی در طرح دولت محلی در ایتالیا آغاز شد. او با به کارگیری مفهوم سرمایه اجتماعی می‌خواست تفاوت‌های موجود در التزام شهروندی را با وضوح بیشتری به نمایش درآورد (Putnam, 1993: 67). او در سال ۱۹۹۶ بیان داشت منظور من از سرمایه اجتماعی مشخصات زندگی اجتماعی یعنی شبکه‌ها، معیارها و اعتماد است که سبب می‌شود تا شرکت‌کنندگان در فعالیت مشترک کاراتری برای تعقیب اهداف مشترک خود وارد شوند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۷).

### روش‌شناسی

در یک نگاه کلی روشی که به طور غالب در این مقاله مورد استفاده قرار خواهد گرفت،

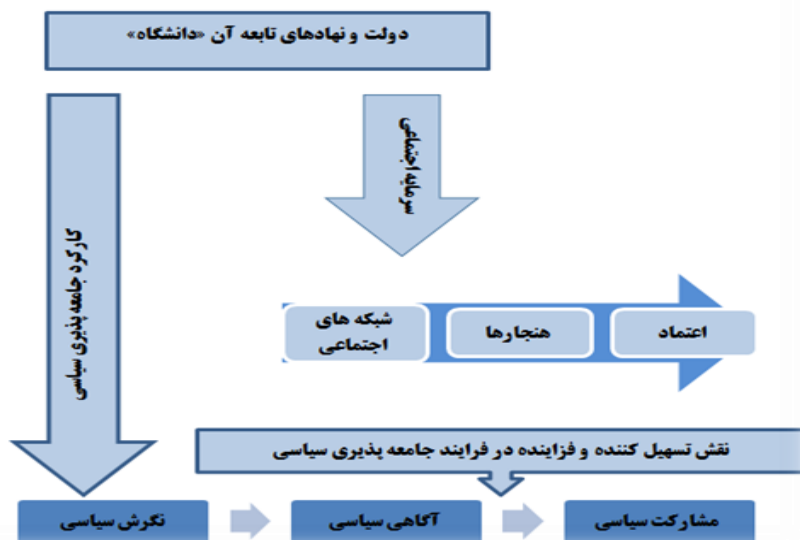
روش کمی است و در نتیجه این مقاله از نوع کمی خواهد بود. از روش کمی در این نوشتار به منظور بررسی میزان سرمایه اجتماعی که دانشگاه‌ها به مثابه یکی از نهادهای متولی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی از آن برخوردارند؛ استفاده خواهد شد. اصولاً روش کمی به روش‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها اطلاعاتی که پژوهشگران مبنای فهم و تبیین رویدادها و رفتاری‌های مورد نظر قرار می‌دهند در قالب آمار یا ارقامی که بیانگر میزان خاصی از وجود یا وقوع پدیده‌ای ویژه است، به دست می‌آید. در این مقاله به جهت اندازه‌گیری سطح سرمایه اجتماعی و نیز میزان موفقیت دانشگاه در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی به مثابه یکی از نهادهای متولی در موضوع مورد بحث از روش کمی در گردآوری اطلاعات استفاده شده است که شامل بهره‌گیری از شیوه پیمایش است. ویژگی پیمایش استفاده از نمونه‌گیری‌های احتمالی و به کارگیری ابزار سنجشی است که برای اندازه‌گیری دقیق متغیرهای پژوهش طراحی شده است. مزایای این روش عبارتند از معرف بودن نمونه و در نتیجه توانایی پژوهشگر در تعمیم یافته‌ها به کل جمعیت آماری، مناسب بودن این روش برای آزمودن فرضیه‌ها و نیز توان آن در اندازه‌گیری دقیق متغیرهای مورد نظر، کتب، مقالات، سایت‌های اینترنتی، پایان‌نامه‌های مقاطع تحصیلات تکمیلی، پیمایش‌های کمی اولیه (پرسشنامه) و ثانویه و مصاحبه کیفی از جمله ابزارهای گردآوری اطلاعات است.

همچنین مطالعه موردی این پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران است. دانشگاه‌هایی که علاوه بر شرایط عمومی، دانشجویان خود را بر اساس گزینش‌های تخصصی جذب می‌کنند، از این فهرست حذف شده‌اند. بدین ترتیب دانشگاه‌هایی که جامعه آماری این مقاله را تشکیل می‌دهند عبارتند از: ۱. دانشگاه علامه طباطبایی ۲. دانشگاه تهران ۳. دانشگاه شهید بهشتی ۴. دانشگاه خوارزمی ۵. دانشگاه صنعتی شریف ۶. دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی ۷. دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۸. دانشگاه علم و صنعت ۹. دانشگاه الزهرا. تعداد کل دانشجویان این دانشگاه‌ها عدد ۱۲۰۲۵۰ نفر هستند که جزئیات آن با بهره‌گیری از آخرین آمار اعلام شده در سایت دانشگاه‌های مورد نظر به شرح ذیل است: (تهران ۳۲۰۰۰ نفر)، (شهید بهشتی ۱۸۲۴۰ نفر)، (علامه طباطبایی ۱۵۰۰۰ نفر)، (خوارزمی ۸۰۰۰ نفر)، (صنعتی شریف ۱۲۰۰۰ نفر)، (خواجه نصیرالدین طوسی ۷۶۰۰ نفر)، (صنعتی امیرکبیر ۸۴۰۰ نفر)، (علم و صنعت ۱۱۲۰۰ نفر)، (الزهرا ۸۳۰۰ نفر). با حذف آمار

مربوط به دانشجویان تحصیلات تکمیلی، عدد تقریبی ۱۰۰۰۰۰ نفر به عنوان جامعه آماری مطالعه موردی این مقاله مشخص می‌گردد.

شیوه نمونه‌گیری انتخاب شده این نوشتار در بهره‌گیری از روش کمی، شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده یا نامحدود است. در طرح نمونه‌گیری تصادفی نامحدود که عموماً به نمونه‌گیری تصادفی ساده مشهور است، هر عضوی در جامعه برای انتخاب شدن به عنوان یک آزمودنی از شانس مساوی و معین برخوردار است، به طوری که انتخاب هیچ عضوی در انتخاب عضو بعدی مؤثر نیست. به عبارت دیگر هر آزمودنی به طور مستقل از سایر آزمودنی‌ها، شانس انتخاب شدن برابر دارد. با توجه به جامعه آماری مورد نظر این مقاله یعنی عدد ۱۰۰۰۰۰ نفر، حجم نمونه‌ای که با استفاده از فرمول کوکران به دست می‌آید، عدد دقیق ۳۸۲,۶۹۳۶۷۰۹۳۰۴۶ است که به جهت اطمینان بیشتر عدد ۴۰۵ به عنوان حجم نمونه جامعه آماری این پژوهش مبنا قرار خواهد گرفت. روش عمده مورد استفاده در این مقاله در تجزیه تحلیل داده‌ها، روش کمی است. هم در مرحله تولید چهارچوب نظری نسبت بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی و هم تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و تأیید اعتبار روایی پرسش‌نامه، بهره‌گیری از روش‌های اندازه‌گیری کمی شرایط لازم برای آزمون فرضیه اصلی این مقاله را فراهم می‌آورد.

مدل نقش سرمایه اجتماعی بر جامعه‌پذیری سیاسی



## سرمایه اجتماعی

از منظر رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی «وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود بخشند». از دیدگاه وی «شیوه‌های کمک متقابل مانند انجمن‌های اعتباری جزء سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۹). تفاوت سرمایه اجتماعی با دیگر سرمایه‌ها این است که این شکل از سرمایه حاصل روابط و تعاملات اجتماعی مبتنی بر اعتماد و مشارکت اعضای گروه‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست و نه افراد! و به شکل عینی و فیزیکی وجود ندارد. تفاوت دیگر این است که سرمایه اجتماعی هرچه بیشتر مصرف شود، افزایش خواهد یافت و در صورت عدم مصرف رو به کاهش و نابودی خواهد رفت. امروز بر جامعه‌شناسان ثابت شده که یکی از ابعاد مهم هر توسعه‌ای توجه به سرمایه‌های اجتماعی است. از این رو سرمایه اجتماعی یکی از مهمترین شاخص‌های رشد و توسعه هر جامعه‌ای به شمار می‌آید. انسان به طور ذاتی در تعامل با دیگران نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثرات این کنش‌های متقابل در نقش آنها تا حدی است که حذف آن زندگی را غیرممکن می‌سازد. اما در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموع عواملی پی برده‌اند که آن را سرمایه اجتماعی نامیده‌اند (Moran, 2005: 160). بدین سان از منظر بوردیو، سرمایه اجتماعی مفهومی ترکیبی است که موجودی یا میزان این هنجارها و شبکه‌ها را در یک جامعه و در یک مقطع زمانی خاص تشریح می‌کند (Bourdieu, 1986: 250-252).

مفهوم سرمایه اجتماعی در برگرفته مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آنها را در جهت دستیابی به هدف‌های ارزشمند هدایت می‌کند. از این رو شناخت عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک کرده و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع شود. مفهوم سرمایه اجتماعی که صبغه جامعه‌شناسانه دارد، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود (Evans & Carson, 2005: 308). مفهوم سرمایه اجتماعی و گسترش و بسط روش‌ها و راهکارهای حفظ و نگهداری و یا تقویت آن اخیراً مورد توجه گسترده‌ای قرار

گرفته است. این مفهوم به عنوان ابزاری برای ارزیابی کارکردهای سازمان‌های اجتماعی و میزان موفقیت و تلاش و محبوبیت نهادهای اجتماعی یا گروه‌ها و انجمن‌ها محسوب می‌شود. در واقع یکی از نقاط قوت انجمن‌ها و گروه‌ها عبارت است از انباشت و تقویت سرمایه‌های اجتماعی که به نوبه خود مدیون عوامل متعددی است. اعتماد در این شرایط به طور کامل به وجود می‌آید؛ چرا که قدرت اجتماع و جامعه این اعتماد را عملی و شدنی می‌کند. این منشأ سرمایه اجتماعی با ساختارهای اجتماعی که توسط کلمن به عنوان مکانیسم کنترل و نظارت اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته‌اند در ارتباط تنگاتنگی است. این منشأ در واقع مسأله‌ای است که دیدگان دانشمندان دیگر رشته‌ها را بر روی خود می‌بندد. هنگامی که آنها پیش قدم می‌شوند تا مفهوم سرمایه اجتماعی را به صورت یک درمان برای بیماری‌های اجتماعی در آورند (Kennan and Hazleton, 2000: 86).

شاخص‌هایی که در تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی مورد ارجاع قرار می‌گیرند عبارتند از:

- (۱) شبکه‌ها؛ یک شبکه اجتماعی، شبکه‌ای به هم پیوسته از افرادی است که معمولاً یک ویژگی عام دارند. مثلاً ممکن است آنها یک ورزش خاص را دوست داشته باشند و یا در یک شغل مشابه مشغول به کار بوده و یا حتی مذهب مشترک داشته باشند (نصیری، ۱۳۸۷: ۱۴).
- (۲) هنجارها؛ همان برداشت‌ها، قواعد و رسوم غیررسمی مشترک است که رفتارهای معینی را در اوضاع مختلف تجویز، ممنوع و یا تعدیل می‌کند. هنجارهایی از قبیل صداقت، عام‌گرایی و قانون‌گرایی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی به شمار می‌روند (الوانی، ۱۳۸۱: ۶۲).
- (۳) اعتماد؛ منبعث از زمینه‌های تجربی، اخلاقی و فردی به معنای این باور است که دیگران با انجام کنشی یا اجتناب از آن به رفاه من یا دیگران کمک و از آسیب رساندن به من یا دیگران پرهیز می‌کنند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۲۱۸-۲۱۶).

### جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی روندی آموزشی است که به انتقال هنجارها و رفتارهای پذیرفتنی نظام سیاسی مستقر از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند و هدف از آن تربیت یا پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند (عالم، ۱۳۷۳: ۱۱۷). جامعه‌پذیری سیاسی روندی است که طی آن فرد چگونگی زیستن در جامعه سیاسی را فرا می‌گیرد. به



عبارت دیگر معنای این مفهوم روند ورود به یک نظام سیاسی است که از طریق آگاهی از نمادها، نهادها و جریان‌ها، یادگیری نقش فعال یا منفعل یک عضو نظام سیاسی و درونی کردن نظم ارزشی و ایدئولوژی مورد حمایت کل تشکیلات حاصل می‌شود (Marshall, 1998: 504). آنچه بیش از همه نظریه جامعه‌پذیری سیاسی را رسمیت تام بخشید و آن را به صورت ابزار تئوریک در توجیه و توضیح تفاوت میان نظام‌های سیاسی درآورد، انتشار کتابی بود تحت عنوان «جامعه‌پذیری سیاسی» در سال ۱۹۶۹ که توسط دو دانشمند مشهور آمریکایی به نام‌های «ریچارد داوسون» و «کنت پرویت» تألیف گردید و یافته‌های جدیدی بر نظریات قبل از خود افزودند (هرمز، ۱۳۷۶: ۱۰-۷). در هر حال در خصوص تعریف جامعه‌پذیری سیاسی کوشش‌های بسیاری از سوی دانشمندان علم سیاست، جامعه‌شناسی و روانشناسی سیاسی صورت گرفته است. ضمن آن که در برخی آثار ریشه‌های توجه به جامعه‌پذیری سیاسی به افکار «افلاطون» باز می‌گردد. او متوجه اهمیت تربیت کودک در مدینه فاضله و نیز جامعه یونان باستان بود. در دوران معاصر توجه بسیاری از دانشمندان معطوف به این موضوع شده است که از زمره آنها می‌توان به «چارلز مریام» اشاره نمود که تلاش کرد تا کیفیت شکل‌گیری فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی را در بسیاری از دولت‌های اروپایی در خلال قرن بیستم مورد مطالعه قرار دهد. او با مطالعه جامعه آلمان، فرانسه، بریتانیا و نیز ایالات متحده آمریکا کوشش کرد تا چگونگی ظهور یا ایجاد اندیشه "شهروندی" را از طریق مطالعه مؤسسات یادگیری مدنی و به خصوص مؤسسات آموزشی (مدارس) بشناسد (منادی، ۱۳۸۷: ۳۰). علاوه بر اینها نظریات جامعه‌شناسانی چون «ماکس وبر»، «کارل مارکس» و «تالکوت پارسونز» دارای سهمی ویژه در زمینه مطالعه جامعه‌پذیری اجتماعی و سیاسی است (مقدم‌فر، ۱۳۸۸: ۱۱). جامعه‌پذیری جوانان از نظری سیاسی عبارت است از تحصیل و اکتساب تدریجی هنجارها، گرایش‌ها و رفتار مورد پذیرش و معمول نظام سیاسی موجود. شماری از محققان سعی کرده‌اند جامعه‌پذیری سیاسی را در سطح خرد و کلان تعریف کنند. مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی در سطح خرد روندی است که طی آن افراد هنجارها، عقاید و ارزش‌های سیاسی جامعه‌ای را که عضو آن هستند یاد می‌گیرند.

شاخص‌هایی که در تبیین مفهوم جامعه‌پذیری مورد ارجاع قرار می‌گیرند عبارتند از:  
 (۱) آگاهی سیاسی؛ منظور از آگاهی سیاسی شناخت و اطلاع افراد یا گروه‌ها نسبت به امور

عمومی و سیاست جامعه است. این عبارت با عبارت‌های دانش سیاسی، اطلاعات سیاسی و هوشیاری سیاسی تداخل مفهومی دارد و شاید نتوان تمایز دقیقی بین آنها قائل شد. اما به نظر می‌رسد دانش و اطلاعات سیاسی اشاره به محتوای حافظه فرد دارند و قابل اندازه‌گیری هستند (کاظمی، ۱۳۷۴: ۶۸). (۲) نگرش سیاسی؛ نگرش سیاسی به عنوان طرز فکر شکل‌دهنده به مواضع سیاسی، حد واسط بین آموزش و کنش سیاسی قرار دارد و از طریق آموزش سیاسی به مثابه محرک خارجی ایجاد می‌شود (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۸۷). نگرش سیاسی از طریق فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در افراد شکل می‌گیرد و جامعه‌پذیری سیاسی راهی است که هر جامعه از طریق آن فرهنگ سیاسی خود را تداوم می‌بخشد (Roskin, 1988: 141). (۳) مشارکت سیاسی؛ مشارکت سیاسی هرگونه رفتار و عمل فردی است که هدف آن تحت‌تأثیر قراردادن سیاست‌گذاری‌های عمومی یا انتخاب رهبران سیاسی و یا اعمال نظر رهبران بر مردم یا به طور خلاصه حوزه تصمیم‌گیری و تقاضا در بین مردم و دولت است (Milbrath & Goel, 1977: 2).

### نقش سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی

نحوه مدیریت منابع در دسترس یک ملت به کیفیت نهادها و ساختار انگیزشی هدایت‌کننده منابع مذکور بستگی دارد (Brunner, 1985: 7). در واقع پیشبرد فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی و در نتیجه موفقیت در کارایی مدیریت منابع در هر جامعه‌ای مستلزم سطح قابل قبولی از سرمایه اجتماعی است. از سوی دیگر مهمترین مرجع پیشبرد فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نظام سیاسی و نهادهای وابسته به آن مانند دانشگاه است. بنابراین وجود نظام سیاسی دوستدار سرمایه اجتماعی و سازگار با آن برای شکوفایی و آبادانی جامعه اساسی خواهد بود. سرمایه اجتماعی در عین تأثیرگذاری بر نظام سیاسی و نهادهای وابسته به آن به شدت از عملکرد آن متأثر می‌شود. بنابراین هر اقدام نظام سیاسی و نهادهای آن سرمایه اجتماعی را می‌تواند به گونه‌ای مثبت یا منفی تحت‌تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال اعتماد به مثابه بخشی از سرمایه اجتماعی و شاید مهمترین اساسی‌ترین بخش آن نشانگر آمادگی بالقوه شهروندان برای همکاری با یکدیگر و نیز آمادگی آنها برای وارد شدن در کوشش‌های مدنی هستند (Rothstein and Stolle, 2003: 12).

اعتماد عمومی که ناظر به وجود اعتماد در کلیت جامعه است، پیش برنده موفقیت‌آمیز فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی است و در نتیجه بر مشارکت سیاسی و مدنی می‌افزاید و بر پایداری افراد به تعهداتشان اضافه می‌کند (Warren, 2003: 44). بنابراین زمانی که گفته می‌شود سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای بالاست، منظور این است که از یک سو حس اعتماد عمومی و همکاری دوسویه به ویژه در امور پسندیده از نظر اجتماع، در میان اعضای آن و نیز پایداری به قراردادهای و تمایل به حفظ قول و قرارها بالا باشد و از سوی دیگر روحیه فرصت‌طلبی و سواری مجانی گرفتن در میان اعضای آن جامعه اندک است، به گونه‌ای که کنش‌های جمعی با کمترین هزینه ممکن می‌شود. سرمایه اجتماعی سنگ بنای جامعه مرفه و نظام سیاسی کارآمد و موفق در پیشبرد فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی است و در سایه حفظ، تقویت و انباشت این منبع ارزشمند است که جامعه می‌تواند از دستاوردهای توسعه و حکمرانی خوب بهره‌مند شود. از این رو نظام سیاسی و نهادهای ذی‌ربط آن نه فقط باید پیامد اقداماتش را بر سرمایه اجتماعی ارزیابی کند، بلکه لازم است همواره محیط اجتماعی اعتمادآوری را هم فراهم آورد که اعتماد‌پذیری، تمایل به حفظ و عمل به هنجارها، تمایل به همکاری و همیاری و وارد شدن در شبکه‌های اجتماعی به مثابه شاخص‌های عمده سرمایه اجتماعی در این مقاله را برای اعضای جامعه سودمند و معنادار سازد. مهمترین نکته مغفول در سرمایه اجتماعی، همچنان که لوی (Levi, 1996: 50) و تندلر (Tendler, 1997: 36) اشاره می‌کنند، نقش دولت و نهادهای سیاسی و یا دارای کارکردهای سیاسی در ترویج انجمن‌های افقی و فعالیت‌های متناظر با آنهاست. «فولی و ادواردز» پیشنهاد می‌کنند که پائین‌ترین جایگاه سازمان‌های سیاسی را در ایجاد انجمن‌هایی که او بر آنها تکیه می‌کند؛ نادیده می‌انگارد و سایر اشکال مشارکت مدنی در آمریکا را تا آنجا مغفول می‌گذارد که سیاست به معنای دقیق کلمه به طور کامل در معرض حذف قرار می‌گیرد. آنها مشاهده می‌کنند که فعالیت شبکه‌های اجتماعی و نهادهای سیاسی یا می‌تواند پشتیبان دولت مطلوب باشد یا چونان ابزار ایستادگی در برابر یک دولت سرکوب‌گر عمل کند (Foley and Edwards, 1996: 41). همانگونه که پیش‌تر اشاره گردید، سرمایه اجتماعی نقش قابل ملاحظه‌ای در بهبود عملکرد دولت و نهادهای معطوف به آن از جمله دانشگاه در پیش‌برد فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی مخاطبان و به طور کلی توسعه سیاسی جامعه دارد. دولت‌ها و نهادهای بهره‌مند از سطوح بالاتر ذخیره سرمایه اجتماعی از

دستاوردهای بیشتری در این زمینه بهره‌مند خواهند شد. بنابراین در صورت تحلیل رفتن چنین سرمایه ارزشمندی در درون یک نهاد، دستیابی به اهداف کمی و کیفی از جمله موفقیت در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی با شکست روبه‌رو می‌گردد (Whiteley, 2000: 443).

### نقش دانشگاه در جامعه‌پذیری سیاسی

یکی از مهمترین راه‌هایی که افراد به پذیرش شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی روی می‌آورند در نهاد دانشگاه صورت می‌گیرد. نهادی همچون دانشگاه از طریق شیوه‌ها و رویکردهای عملی و نظری افراد را برای زندگی در محیط سیاسی یک اجتماع تربیت می‌کند و استعدادها و خلاقیت‌های افراد را پرورش می‌دهند. فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در قالب نظام آموزش عالی در بسترسازی سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و فهم کنش متقابل جامعه آموزشی با حاکمیت نظام سیاسی می‌تواند به تثبیت نظام سیاسی کمک کند. چنین برنامه‌ریزی باعث شکل‌گیری هویت سیاسی پویای دانشجویان خواهد شد که می‌تواند بر نگرش‌های عمیق و رفتارهای پایدار سیاسی نهادینه شده منجر شود. بر این اساس تربیت سیاسی که در برنامه‌ریزی درسی می‌توان آن را مورد هدف قرار داد، تأثیر پایداری در مشارکت سیاسی و درک، فهم و نگرش دانشجویان دارد. این فرآیند منجر به ارتقاء سواد سیاسی و توسعه پایدار سیاسی و حکمرانی مطلوب در سطح جامعه خواهد شد و به ثبات سیاسی پایدار جامعه کمک خواهد کرد (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). از این‌رو برنامه‌ریزی درسی در نهاد آموزشی می‌بایست مبتنی بر تحقق الگوهای رفتاری وحدت‌محور و مشارکت‌مدارانه هویت ملی دانشجویان باشد. جامعه‌پذیری سیاسی از طریق آموزش دانشگاهی به نحوه ارتباط میان دانشجو با نهاد سیاست و قدرت و به توزیع الگوهای جهت‌گیرانه (شناختی، عاطفی و ارزیابانه) منتهی می‌گردد. تربیت سیاسی در جامعه باید تکیه بر محتوای سیاسی دروس شود تا بتواند به بینش سیاسی نسل جوان جامعه برای مشارکت فعال و شهروندمداری کمک بسیاری کند. در واقع فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در دانشگاه باعث شکل‌گیری جوانب شخصیت سیاسی خواهد شد و منجر به شکل‌گیری رفتار سیاسی نسل دانش‌پذیر جامعه در آینده خواهد شد (توسلی، ۱۳۸۶: ۷۷). محققان جامعه‌شناس تاثیر نهاد دانشگاه را بر نظام سیاسی هم به عنوان ابزار کنترل و مشروعیت‌بخشی و هم به عنوان منبع بالقوه ناخشنودی سیاسی مطالعه می‌کنند. بنابراین فرآیند

جامعه‌پذیری سیاسی افراد در جامعه منوط به این امر است که نهاد دانشگاه توسعه سیاسی جامعه را یکی از اهداف عالی برنامه‌ریزی‌های درسی و غیردرسی به صورت مستمر و نهادینه شده قرار داده و به صورت آگاهانه پتانسیل و سواد سیاسی دانشجویان را برای نهادی ساختن الگوهای وحدت بخشی و مشارکت محوری در راستای توزیع مناسب منابع شکل دهند. به نظر کلمن توسعه سیاسی در نهاد آموزش عبارت است از «فراگیری ناشی از تلاش آگاهانه توانایی سیاسی به منظور نهادینه ساختن الگوهای انسجام و الگوهای مشارکت و توزیع درست منابع» (شارع پور، ۱۳۸۶: ۲۸۵).

### یافته‌های تحقیق

در این بخش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های آماری به دست آمده در این مقاله، ابتدا به بررسی پایایی پرسش‌نامه به کار برده شده جهت گردآوری داده‌ها پرداخته‌ایم و با بهره‌گیری از آزمون آلفای کرونباخ بخش‌های مختلف پرسشنامه با توجه به تقسیم‌بندی سوالات بر مبنای مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده متغیرهای اصلی مقاله مورد ارزیابی قرار گرفته است و پس از آن به جهت ارزیابی نرمال بودن داده‌های کلی پرسشنامه از آزمون کلموگروف اسمیرنوف بهره‌گیری شده است. پس از آن به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های آماری این مقاله در ابتدا اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه‌های توزیع شده استخراج گردیده و پس از آن تمامی داده‌های به دست آمده از طریق نرم‌افزار آماری «SPSS18» در دو حوزه روش‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی و دو متغیر اصلی مقاله یعنی سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی محاسبه و نمودارهای مربوط به آنها ترسیم و میانگین و انحراف معیار به دست آمده برای مؤلفه‌های سنجیده شده در پرسشنامه محاسبه و ارائه شده است. در بخش روش‌های استنباطی نیز به منظور ارائه پاسخ برای فرضیه‌های مقاله و در نهایت تعمیم نتایج حاصله از نمونه به جامعه آماری پژوهش مورد نظر از آزمون معناداری ضریب همبستگی پیرسون و مدل رگرسیونی خطی از جمله تحلیل واریانس مدل رگرسیونی، ضرایب مدل رگرسیونی، جدول همبستگی نمرات حاصل از مدل رگرسیونی پس از حذف و نمودار پراکنش باقی‌مانده‌ها استفاده شده است.

### بررسی پایایی بخش‌های مختلف پرسشنامه بر مبنای شاخص‌های هر متغیر

پایایی (Reliability) مقیاسی است که به وسیله آن درجه اعتماد و سازگاری یک پرسش‌نامه در اندازه‌گیری یک مفهوم نشان داده می‌شود. روش عمده برآورد ضریب پایایی، ضریب آلفای کرونباخ (جدول ۱) است. آلفای کرونباخ (Cronbach's Alpha) ضریبی از پایایی و سازگاری است و سازگاری درونی مدل را اندازه می‌گیرد. به عبارت دیگر آلفای کرونباخ اندازه می‌گیرد که به چه خوبی یک مجموعه از متغیرهای مشاهده شده یک سازه مکنون را توضیح می‌دهند.

جدول ۱: آلفای کرونباخ بخش‌های پرسشنامه پژوهش

ردیف	پرسشنامه	تعداد سؤال	آلفای کرونباخ
۱	اعتماد	۱۹	٪۵۷
۲	هنجارها	۱۷	٪۵۷
۳	شبکه‌های اجتماعی	۱۴	٪۷۶
۴	نگرش سیاسی	۱۴	٪۷۲
۵	آگاهی سیاسی	۱۲	٪۸۴
۶	مشارکت سیاسی	۱۲	٪۸۴

### تحلیل توصیفی داده‌ها

در این بخش به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (دموگرافیک) حجم نمونه در نظر گرفته شده برای مقاله می‌پردازیم.

### شاخص‌های عمومی شرکت‌کنندگان

بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی با ۶۷ درصد افراد بین ۲۰ تا ۲۵ سال بوده‌اند و پس از آن افراد زیر ۲۰ سال با ۲۹ درصد بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهند. کمترین دامنه سنی شرکت‌کنندگان نیز به ترتیب افراد بین ۲۵ تا ۳۰ سال و بالای ۳۰ سال با ۳ و ۱ درصد از مجموع کل افراد شرکت‌کننده است. بررسی وضعیت شرکت‌کنندگان از لحاظ گروه تحصیلی نشان می‌دهد که بیشترین تعداد افراد شرکت‌کننده دانشجویان رشته‌های مهندسی به میزان تقریبی ۴۵ درصد است. پس از آنها به ترتیب میزان مشارکت دانشجویان رشته‌های علوم انسانی با ۳۲ درصد، پزشکی و بهداشت با ۹ درصد، علوم پایه با ۸

درصد، زبان‌های خارجی با ۵ درصد، نامشخص ۸ درصد و تربیت بدنی ۳ درصد است. همچنین در حدود ۹۲ درصد آزمودنی‌های مقاله در این پژوهش مجرد و ۶ درصد متأهل هستند. وضعیت ۲ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی نیز در این خصوص نامشخص است. ۲۵ درصد افراد شرکت‌کننده وضعیت هزینه ماهیانه خود را اعلام نکرده‌اند و ۱۷ درصد افراد دارای هزینه کردی بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان هستند. همچنین افراد دارای هزینه کرد بین ۲۵۰ تا ۳۵۰ هزار تومان و نیز افراد دارای هزینه کرد بالاتر از ۵۰۰ هزار تومان هرکدام به طور مساوی ۱۶ درصد شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهند. افراد دارای هزینه کرد ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تومان نیز ۱۵ درصد از مجموع شرکت‌کنندگان را شامل می‌شوند. در انتهای این تقسیم‌بندی نیز افراد دارای هزینه کرد بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان با ۸ درصد و افراد دارای هزینه کرد زیر ۱۰۰ هزار تومان با ۳ درصد قرار دارند.

والدین اکثریت دانشجویان شرکت‌کننده در نظرسنجی یعنی ۴۶ درصد، دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم و در رتبه دوم والدین دارای مدرک کارشناسی با ۳۴ درصد قرار دارند. ۱۲ درصد والدین دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند و والدین دارای تحصیلات تا مقطع دکتری و همچنین دانشجویانی که تمایلی برای اعلام میزان تحصیلات والدین‌شان نداشتند هرکدام به طور مساوی ۴ درصد از مجموع حجم نمونه را تشکیل می‌دهند. اکثریت دانشجویان شرکت‌کننده در نظرسنجی یعنی حدود ۴۴ درصد تمایلی به اعلام میزان درآمد ماهیانه خانواده خود نداشته‌اند. ۱۶ درصد آنها دارای درآمدی معادل یک و نیم تا دو میلیون و ۱۳ درصد آنها درآمدی بین دو و نیم تا سه و نیم میلیون تومان در ماه داشته‌اند. همچنین افراد دارای درآمد بین یک تا یک و نیم میلیون تومان در ماه ۹ درصد، افراد دارای درآمد بین سه و نیم تا پنج میلیون ۸ درصد، افراد دارای درآمد بالای پنج میلیون ۶ درصد و نهایتاً در آخرین رتبه، افراد دارای درآمد زیر یک میلیون با چهار درصد قرار دارند. اکثریت دانشجویان شرکت‌کننده یعنی ۳۷ درصد اعلام کرده‌اند که هیچ‌کدام از انواع نشریات و جراید را مطالعه نمی‌کنند. پس از آنها دانشجویان علاقمند به موضوعات سیاسی قرار دارند که ۳۳ درصد از حجم نمونه این مقاله را تشکیل می‌دهند. افراد علاقه‌مند به موضوعات ورزشی ۱۵ درصد، موضوعات مربوط به حوادث ۱۳ درصد و در نهایت افرادی که به این بخش از سوالات پاسخ نداده‌اند؛ ۲ درصد از مجموع شرکت‌کنندگان در نظرسنجی را تشکیل می‌دهند.

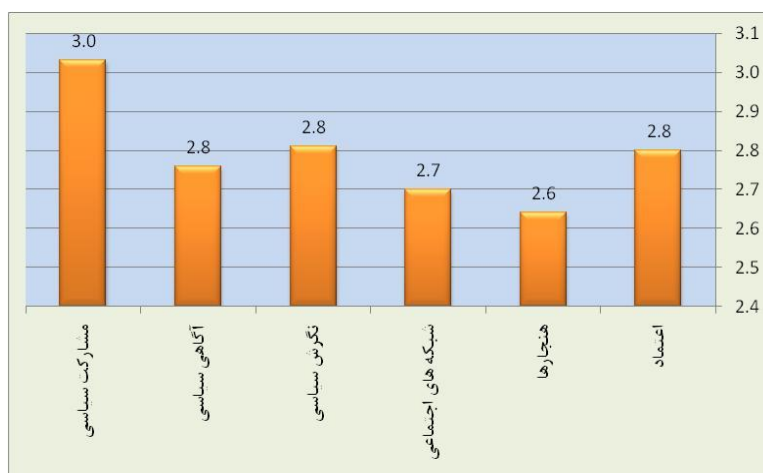
### میانگین و انحراف معیار

آمارهایی نظیر میانگین و انحراف معیار، خصوصیت مجموعه‌ای داده را به صورت کلی بیان می‌کنند. میانگین عبارت است از «مجموع مقادیر» تقسیم بر «تعداد مقادیر» که یک اندازه خلاصه مکانی و راجع به این که توزیع در کجا واقع شده است، فراهم می‌آورد. بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۲، مؤلفه نگرش سیاسی با میانگین ۲٫۸۱ و انحراف معیار ۰٫۵۱ نسبت به سایر مؤلفه‌ها از بالاترین میانگین و مؤلفه هنجارها با میانگین ۲٫۶۴ و انحراف معیار ۰٫۳۶ از کمترین میانگین برخوردار بوده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های پرسشنامه

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
اعتماد	2.80	0.34
هنجارها	2.64	0.36
شبکه‌های اجتماعی	2.70	0.50
نگرش سیاسی	2.81	0.51
آگاهی سیاسی	2.76	0.56
مشارکت سیاسی	3.03	0.71

مقایسه وضعیت مؤلفه‌های پژوهش و پرسشنامه آن در نمودار ۱ منعکس گردیده است:



نمودار ۱: وضعیت نسبی میانگین مؤلفه



### آزمون فرضیه‌ها با استفاده از ضریب همبستگی الف- آزمون فرضیه اصلی پژوهش

با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مقدار ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش رابطه‌یابی شد و از آنجایی که سطح معنی‌داری محاسبه شده آلفای ۰/۰۲۵ کوچکتر است، در نتیجه فرض صفر رد شده و فرض تحقیق تأیید گردید (جدول ۱۱). یعنی با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده (۵۳ درصد) بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان ارتباط معنادار و مستقیم وجود دارد. به این معنا که با افزایش یکی دیگری افزایش پیدا کرده و بالعکس. فرض صفر و خلاف

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \rho = 0 \quad \text{بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان رابطه وجود ندارد.} \\ H_1: \rho \neq 0 \quad \text{بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.} \end{array} \right.$$

جدول ۱۱: ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی

همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری	نمونه	انحراف استاندارد	میانگین	
		۳۹۰	۰,۳۲	۲,۷۱	سرمایه اجتماعی
۰,۵۳	۰,۰۰۰	۳۹۰	۰,۴۹	۲,۸۷	جامعه‌پذیری سیاسی

### ۹-۲. آزمون فرضیه فرعی اول پژوهش

با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون رابطه‌یابی شد و مقدار ضریب همبستگی از آنجایی که سطح معنی‌داری محاسبه شده آلفای ۰/۰۲۵ کوچکتر است، در نتیجه فرض صفر رد شده و فرض تحقیق تأیید گردید (جدول ۱۲). یعنی با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده (۴۲ درصد) بین اعتماد و نگرش سیاسی دانشجویان ارتباط معنادار و مستقیم وجود دارد. به این معنا که با افزایش یکی دیگری افزایش پیدا کرده و بالعکس. فرض صفر و خلاف:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \rho = 0 \quad \text{بین اعتماد و نگرش سیاسی دانشجویان رابطه وجود ندارد.} \\ H_1: \rho \neq 0 \quad \text{بین اعتماد و نگرش سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.} \end{array} \right.$$

جدول ۱۲: ضریب همبستگی بین اعتماد و نگرش سیاسی

همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری	نمونه	انحراف استاندارد	میانگین	
		۳۹۰	۰,۳۴	۲,۸	اعتماد
۰,۴۲	۰,۰۰۰	۳۹۰	۰,۵۱	۲,۸۱	نگرش سیاسی

### ب- آزمون فرضیه فرعی دوم پژوهش

با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مقدار ضریب همبستگی رابطه‌یابی شد و از آنجایی که سطح معنی‌داری محاسبه شده آلفای  $0/025$  کوچکتر است، در نتیجه فرض صفر رد شده و فرض تحقیق تأیید گردید (جدول ۱۳). یعنی با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده (۲۱ درصد) بین هنجارها و آگاهی سیاسی دانشجویان ارتباط معنادار و مستقیم ضعیفی وجود دارد. به این معنا که با افزایش یکی احتمالاً دیگری افزایش پیدا کرده و برعکس. فرض صفر و خلاف:

$$\left\{ \begin{array}{ll} \text{بین هنجارها و آگاهی سیاسی دانشجویان رابطه وجود ندارد.} & H_0: \rho = 0 \\ \text{بین هنجارها و آگاهی سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.} & H_1: \rho \neq 0 \end{array} \right.$$

جدول ۱۳: ضریب همبستگی بین هنجارها و آگاهی سیاسی

همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری	نمونه	انحراف استاندارد	میانگین	
		۳۹۰	۰,۳۶	۲,۶۴	هنجارها
۰,۲۱	۰,۰۰۰	۳۹۰	۰,۵۶	۲,۷۶	آگاهی سیاسی

### پ- آزمون فرضیه فرعی سوم پژوهش

با استفاده از ضریب همبستگی مقدار ضریب همبستگی پیرسون رابطه‌یابی شد و از آنجایی که سطح معنی‌داری محاسبه شده آلفای  $0/025$  کوچکتر است، در نتیجه فرض صفر رد شده و فرض تحقیق تأیید گردید (جدول ۱۴). یعنی با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده (۴۸ درصد) بین شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان ارتباط معنادار و مستقیم وجود دارد. به این معنا که با افزایش یکی دیگری افزایش پیدا کرده و بالعکس. فرض صفر و

خلاف:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: p = 0 \quad \text{بین شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود ندارد.} \\ H_1: p \neq 0 \quad \text{بین شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.} \end{array} \right.$$

جدول ۱۴: ضریب همبستگی بین شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی

شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	نمونه	سطح معنی‌داری	همبستگی پیرسون
شبکه‌های اجتماعی	۲,۷	۰,۵	۳۹۰		
مشارکت سیاسی	۳,۰۳	۰,۷۱	۳۹۰	۰,۰۰۰	۰,۴۸

با توجه به همبستگی به دست آمده در جدول ۱۵، مدل همواری کمی را دارا بوده و می‌تواند برآزش خطی از نمرات واقعی تا ۳۳ درصد ایجاد نماید که برآورد ضعیفی است. با توجه به آماره دوربین واتسون به دست آمده که عددی بین ۱,۵ تا ۲,۵ می‌باشد، استقلال باقیمانده‌ها اثبات شده و نشان می‌دهد که استفاده از رگرسیون خطی مجاز است.

جدول ۱۵: جدول همبستگی نمرات حاصل از مدل رگرسیونی

آماره دوربین واتسون	خطای استاندارد برآورد	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	مدل
1.607	0.40172	0.33	0.57	1

همچنین با توجه به سطح معناداری به دست آمده (جدول ۱۶) می‌توان به جای استفاده از برآورد به وسیله میانگین از مدل رگرسیونی استفاده نمود.

جدول ۱۶: تحلیل واریانس مدل رگرسیونی

سطح معنی‌داری	آماره فیشر	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مدل
.000	62.419	10.073	3	30.220	مدل رگرسیونی
		.161	386	62.294	باقیمانده‌ها
			389	92.514	کل

با توجه به جدول ۱۷ و سطوح معنی داری به دست آمده، می‌توان نقش هنجارها را از مدل حذف نمود. این فرضیه در میزان ارتباط ضعیف بین این عامل و آگاهی سیاسی نیز دیده شده بود.

جدول ۱۷: ضرایب مدل رگرسیونی

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معنی داری
	B	خطای استاندارد	Beta		
عدد ثابت	.810	.187		4.339	.000
اعتماد	.351	.072	.244	4.887	.000
هنجارها	-.047	.071	-.035	-.670	.503
شبکه‌های اجتماعی	.445	.047	.452	9.466	.000

لذا پس از حذف این مؤلفه نتایج به شرح زیر (جدول ۱۸ و ۱۹) است:

جدول ۱۸: همبستگی نمرات حاصل از مدل رگرسیونی پس از حذف

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	خطای استاندارد برآورد
1	0.571	0.33	0.40144

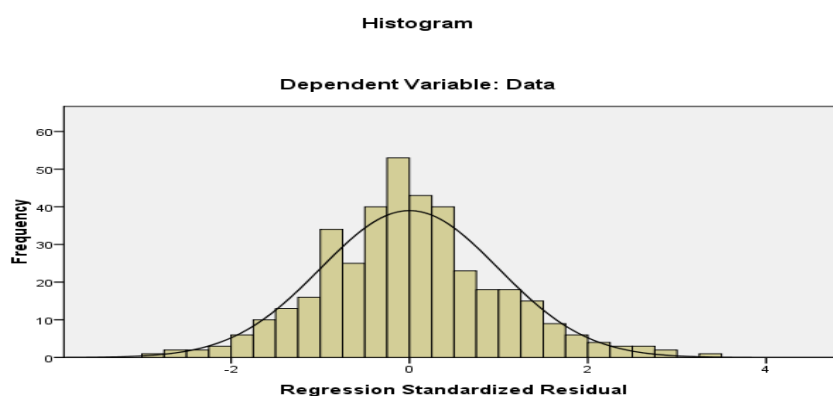
جدول ۱۹: ضرایب مدل رگرسیونی

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معنی داری
	B	خطای استاندارد	Beta		
عدد ثابت	.769	.176		4.362	.000
اعتماد	.330	.065	.230	5.084	.000
شبکه‌های اجتماعی	.435	.044	.442	9.774	.000

در مطالعه رابطه بین دو متغیر اولین قدم رسم داده‌ها به صورت نقاطی بر روی یک صفحه نمودار است. شکل حاصل که نمودار پراکنش (Scatterplot) نامیده می‌شود، چگونگی

خوشه‌ای شدن نقاط در اطراف یک خط مستقیم یا یک نوع منحنی مشخص را نشان می‌دهد و نیز برداشتی عینی از میزان پراکندگی داده‌ها پیرامون خط یا منحنی را فراهم می‌کند. بنابراین با استفاده از نمودار پراکنش می‌توانیم رابطه بین دو متغیر را بررسی کنیم. نمودار پراکنش باقیمانده‌ها در این پژوهش (نمودار ۲) نشانگر پیروی از توزیع نرمال است. نمودار نشان می‌دهد؛ باقیمانده‌های به دست آمده از اجرای مدل دارای توزیع تقریباً نرمال با میانگین صفر است. به این معنا که اختلاف بین نمرات واقعی جامعه‌پذیری سیاسی و نمرات برازش شده توسط مدل رگرسیونی دارای میانگین صفر است که بیانگر برازش مناسب مدل است. با توجه به ضرایب جدول مدل به دست آمده به شکل زیر خواهد بود:

$$\text{جامعه‌پذیری سیاسی} = -0,769 + 0,330 \times (\text{اعتماد}) + (\text{شبکه‌های اجتماعی}) \times 0,435$$



نمودار ۲: پراکنش باقیمانده‌ها

ت- تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران

در این بخش از مقاله از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ به منظور تجزیه تحلیل آماری استفاده شد. پرسش‌نامه‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی که در قسمت ضمیمه قابل مشاهده است، هر یک شامل ۵ گزینه خیلی موافقم، موافقم، متوسط، مخالفم و خیلی مخالفم بود. به منظور تجزیه تحلیل آماری به ترتیب به هر یک از گزینه‌های فوق مقدار عددی یک تا پنج تعلق گرفت. اعداد متعلق به هر یک از سوالات مربوط به هر پرسش‌نامه با هم جمع گردید و

بر تعداد سوالات مربوط به هر پرسشنامه تقسیم شد تا عدد به دست آمده معرف نمره هر فرد به هر یک از پرسشنامه‌های سرمایه اجتماعی که شامل اعتماد، هنجار، شبکه اجتماعی و پرسشنامه‌های جامعه‌پذیری سیاسی که شامل نگرش سیاسی، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی بود باشد. در نهایت با توجه به توزیع نرمال نمونه‌ها، شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد که معرف شاخص‌های مرکزی و پراکندگی نمونه‌های دانشگاهی تحقیق حاضر هستند؛ گزارش گردید. به منظور تحلیل دقیق‌تر و مقایسه بهتر میانگین به دست آمده از هر یک از شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی با میانگین جامعه (عدد ۳) به وسیله One sample t-test با سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ مقایسه گردید. به وسیله این تست تحلیلی اختلافات معنی‌دار آماری نمونه‌های هر دانشگاه نسبت به میانگین جامعه با ۹۵ درصد اطمینان تعیین شد. جدول ۲۹ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (میانگین و انحراف استاندارد) به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه تهران را نشان می‌دهد. با توجه به این که پاسخ هر سوال ۵ گزینه داشت و به هر گزینه عدد ۱ تا ۵ از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم تعلق گرفت، عدد ۳ در این تحقیق معرف میانگین هر سوال و نهایتاً هر پرسشنامه در نظر گرفته شد. همان گونه که در جدول ۲۰ قابل مشاهده است، میانگین هر یک از سه شاخص اعتماد، هنجار و شبکه‌های اجتماعی به طور معنی‌داری بالاتر از میانگین جامعه بود ( $p < 0.05$ ). این امر حاکی از بالاتر بودن شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تهران نسبت به میانگین جامعه بود.

جدول ۲۰: آمار توصیفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران

شاخص سرمایه اجتماعی	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
اعتماد	۳/۱۵۹ $\pm$ ۰/۴۰۴	۰/۰۱۱*
هنجار	۳/۳۰۳ $\pm$ ۰/۳۵۶	۰/۰۰۰۱*
شبکه‌های اجتماعی	۳/۲۴۴ $\pm$ ۰/۵۳۲	۰/۰۰۴*

$p < ۰/۰۵$  \*

جدول ۲۱ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی را به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه تهران نشان می‌دهد. امتیازدهی به روش فوق‌الذکر بود و عدد ۳ معرف

میانگین جامعه بود. با وجود این که هر یک از شاخص‌های نگرش سیاسی، آگاهی سیاسی و مشارکت بالاتر از میانگین جامعه بود، اما تنها برتری آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران نسبت به جامعه از نظر آماری معنی‌دار بود.

جدول ۲۱: آمار توصیفی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران

شاخص سرمایه‌پذیری	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
نگرش سیاسی	۳/۱۴۶ $\pm$ ۰/۴۹۱	۰/۰۵۲
آگاهی سیاسی	۳/۲۵۰ $\pm$ ۰/۵۱۵	۰/۰۰۲*
مشارکت سیاسی	۳/۰۷۶ $\pm$ ۰/۵۰۷	۰/۳۲۱

p < ۰/۰۵\*

ث - تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی

جدول ۲۲ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (میانگین و انحراف استاندارد) به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی را نشان می‌دهد. با توجه به این که پاسخ هر سوال ۵ گزینه داشت و به هر گزینه عدد ۱ تا ۵ از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم تعلق گرفت، عدد ۳ در این تحقیق معرف میانگین هر سوال و نهایتاً هر پرسشنامه در نظر گرفته شد. همان گونه که در جدول ۳۱ قابل مشاهده است، میانگین شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی بالاتر از میانگین جامعه بود اما از نظر آماری این برتری در شاخص‌های اعتماد و هنجار بود (p < 0.05).

جدول ۲۲: آمار توصیفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی

شاخص سرمایه اجتماعی	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
اعتماد	۳/۱۵۴ $\pm$ ۰/۴۷۹	۰/۰۳۶*
هنجار	۳/۱۳۶ $\pm$ ۰/۳۴۴	۰/۰۱۱*
شبکه‌های اجتماعی	۳/۱۰۰ $\pm$ ۰/۴۰۱	۰/۱۰۱

p < ۰/۰۵\*

جدول ۲۳ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی را هر یک به تفکیک

در بین دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی نشان می‌دهد. امتیازدهی به روش فوق الذکر بود و عدد ۳ معرف میانگین جامعه بود. با وجود این که هر یک از شاخص‌های نگرش سیاسی، آگاهی سیاسی و مشارکت بالاتر از میانگین جامعه بود اما تنها برتری نگرش سیاسی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی نسبت به جامعه از نظر آماری معنی‌دار بود.

جدول ۲۳: آمار توصیفی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی

شاخص سرمایه جامعه‌پذیری	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
نگرش سیاسی	۳/۱۳۳ $\pm$ ۰/۴۳۵	۰/۰۴۶*
آگاهی سیاسی	۳/۰۲۸ $\pm$ ۰/۵۸۳	۰/۷۵۱
مشارکت سیاسی	۳/۰۵۹ $\pm$ ۰/۵۱۷	۰/۴۴۶

p < ۰/۰۵\*

ج- تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی

جدول ۲۴ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (میانگین و انحراف استاندارد) به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی را نشان می‌دهد. با توجه به این که پاسخ هر سوال ۵ گزینه داشت و به هر گزینه عدد ۱ تا ۵ از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم تعلق گرفت، عدد ۳ در این تحقیق معرف میانگین هر سوال و نهایتاً هر پرسشنامه در نظر گرفته شد. همانگونه که در جدول ۳۳ قابل مشاهده است، میانگین تمام شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی بطور معنی‌داری بالاتر از میانگین جامعه بود (p < 0.05).

جدول ۲۴: آمار توصیفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی

شاخص سرمایه اجتماعی	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
اعتماد	۳/۲۰۳ $\pm$ ۰/۴۰۷	۰/۰۰۲*
هنجار	۳/۱۱۸ $\pm$ ۰/۳۰۳	۰/۰۱۳*
شبکه‌های اجتماعی	۳/۲۱۹ $\pm$ ۰/۴۷۷	۰/۰۰۴*

p < ۰/۰۵\*



جدول ۲۵ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی را هر یک به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی نشان می‌دهد. امتیازدهی به روش فوق‌الذکر بود و عدد ۳ معرف میانگین جامعه بود. با وجود این که هر یک از شاخص‌های نگرش سیاسی، آگاهی سیاسی و مشارکت بالاتر از میانگین جامعه بود اما تنها برتری آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی نسبت به جامعه از نظر آماری معنی‌دار بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۲۵: آمار توصیفی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی

شاخص سرمایه‌پذیری	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
نگرش سیاسی	۳/۰۵۷ $\pm$ ۰/۳۸۲	۰/۳۲۲
آگاهی سیاسی	۳/۱۶۱ $\pm$ ۰/۳۶۰	۰/۰۰۴*
مشارکت سیاسی	۳/۰۸۹ $\pm$ ۰/۴۶۵	۰/۲۰۶

$p < ۰/۰۵^*$

چ- تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه خوارزمی

جدول ۲۶ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (میانگین و انحراف استاندارد) به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه خوارزمی را نشان می‌دهد. با توجه به این که پاسخ هر سوال ۵ گزینه داشت و به هر گزینه عدد ۱ تا ۵ از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم تعلق گرفت، عدد ۳ در این تحقیق معرف میانگین هر سوال و نهایتاً هر پرسشنامه در نظر گرفته شد. همان‌گونه که در جدول ۳۵ قابل مشاهده است، تنها برتری شاخص شبکه‌های اجتماعی دانشجویان دانشگاه خوارزمی از نظر آماری نسبت به میانگین جامعه معنی‌دار بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۲۶: آمار توصیفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه خوارزمی

شاخص سرمایه اجتماعی	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
اعتماد	۳/۰۹۸ $\pm$ ۰/۳۲۹	۰/۰۵۱
هنجار	۳/۰۹۵ $\pm$ ۰/۳۴۴	۰/۰۶۹
شبکه‌های اجتماعی	۳/۲۱۷ $\pm$ ۰/۵۱۶	۰/۰۰۷*

$p < ۰/۰۵^*$

جدول ۲۷ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی را هر یک به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه خوارزمی نشان می‌دهد. امتیازدهی به روش فوق‌الذکر بود و عدد ۳ معرف میانگین جامعه بود. میانگین هر شاخص‌های نگرش و آگاهی سیاسی بطور معنی‌داری در دانشجویان دانشگاه خوارزمی بالاتر از میانگین جامعه بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۲۷: آمار توصیفی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه خوارزمی

شاخص سرمایه جامعه‌پذیری	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
نگرش سیاسی	۳/۱۷۵ $\pm$ ۰/۴۷۱	۰/۰۱۷*
آگاهی سیاسی	۳/۱۵۷ $\pm$ ۰/۴۹۴	۰/۰۳۸*
مشارکت سیاسی	۳/۰۸۹ $\pm$ ۰/۴۲۳	۰/۱۶۶

$p < ۰/۰۵^*$

ح- تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت

جدول ۲۸ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (میانگین و انحراف استاندارد) به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه علم و صنعت را نشان می‌دهد. با توجه به این که پاسخ هر سوال ۵ گزینه داشت و به هر گزینه عدد ۱ تا ۵ از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم تعلق گرفت، عدد ۳ در این تحقیق معرف میانگین هر سوال و نهایتاً هر پرسشنامه در نظر گرفته شد. همانگونه که در جدول ۳۷ قابل مشاهده است، میانگین هر سه شاخص‌های اجتماعی اعتماد و هنجار و شبکه‌های اجتماعی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت به طور معنی‌داری بالاتر از میانگین جامعه بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۲۸: آمار توصیفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت

شاخص سرمایه اجتماعی	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
اعتماد	۳/۱۹۶ $\pm$ ۰/۳۸۳	۰/۰۰۱*
هنجار	۳/۲۲۱ $\pm$ ۰/۳۳۸	۰/۰۰۰۱*
شبکه‌های اجتماعی	۳/۱۵۲ $\pm$ ۰/۳۲۲	۰/۰۰۳*

$p < ۰/۰۵^*$

جدول ۲۹ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی را هر یک به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه علم و صنعت نشان می‌دهد. امتیازدهی به روش فوق‌الذکر بود و عدد ۳ معرف میانگین جامعه بود. میانگین شاخص‌های آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی به طور معنی‌داری در دانشجویان دانشگاه علم و صنعت بالاتر از میانگین جامعه بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۲۹: آمار توصیفی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت

شاخص سرمایه‌پذیری	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
نگرش سیاسی	۳/۱۰۸ $\pm$ ۰/۳۹۵	۰/۰۷۴
آگاهی سیاسی	۳/۲۳۳ $\pm$ ۰/۵۱۹	۰/۰۰۴*
مشارکت سیاسی	۳/۳۰۶ $\pm$ ۰/۳۷۳	۰/۰۰۰۱*

$p < ۰/۰۵^*$

خ- تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

جدول ۳۰ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (میانگین و انحراف استاندارد) به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی را نشان می‌دهد. با توجه به این که پاسخ هر سوال ۵ گزینه داشت و به هر گزینه عدد ۱ تا ۵ از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم تعلق گرفت، عدد ۳ در این تحقیق معرف میانگین هر سوال و نهایتاً هر پرسشنامه در نظر گرفته شد. همان‌گونه که در جدول ۳۹ قابل مشاهده است، میانگین هر سه شاخص‌های اجتماعی اعتماد و هنجار و شبکه‌های اجتماعی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی به طور معنی‌داری بالاتر از میانگین جامعه بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۳۱: آمار توصیفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

شاخص سرمایه اجتماعی	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
اعتماد	۳/۲۴۶ $\pm$ ۰/۳۵۶	۰/۰۰۰۱*
هنجار	۳/۱۳۷ $\pm$ ۰/۳۴۳	۰/۰۱*
شبکه‌های اجتماعی	۳/۱۴۱ $\pm$ ۰/۳۶۳	۰/۰۱۲*

$p < ۰/۰۵^*$

جدول ۳۲ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی را هر یک به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی نشان می‌دهد. امتیازدهی به روش فوق‌الذکر بود و عدد ۳ معرف میانگین جامعه بود. میانگین هر سه شاخص‌های نگرش، آگاهی و مشارکت سیاسی به طور معنی‌داری در دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی بالاتر از میانگین جامعه بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۳۲: آمار توصیفی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

شاخص سرمایه جامعه‌پذیری	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
نگرش سیاسی	۳/۲۷۳ $\pm$ ۰/۴۱۰	۰/۰۰۰۱*
آگاهی سیاسی	۳/۳۰۲ $\pm$ ۰/۳۷۵	۰/۰۰۰۱*
مشارکت سیاسی	۳/۳۶۱ $\pm$ ۰/۳۷۶	۰/۰۰۰۱*

$p < ۰/۰۵$ \*

د- تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

جدول ۳۳ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (میانگین و انحراف استاندارد) به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف را نشان می‌دهد. با توجه به این که پاسخ هر سوال ۵ گزینه داشت و به هر گزینه عدد ۱ تا ۵ از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم تعلق گرفت، عدد ۳ در این تحقیق معرف میانگین هر سوال و نهایتاً هر پرسشنامه در نظر گرفته شد. همان گونه که در جدول ۳۳ قابل مشاهده است، تنها برتری شاخص شبکه‌های اعتماد دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف از نظر آماری نسبت به میانگین جامعه معنی‌دار بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۳۳: آمار توصیفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

شاخص سرمایه اجتماعی	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
اعتماد	۳/۱۰۵ $\pm$ ۰/۳۴۹	۰/۰۴۹*
هنجار	۳/۱۳۷ $\pm$ ۰/۴۶۴	۰/۰۵۴
شبکه‌های اجتماعی	۳/۱۱۳ $\pm$ ۰/۳۹۹	۰/۰۶۵

$p < ۰/۰۵$ \*

جدول ۳۴ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی را هر یک به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف نشان می‌دهد. امتیازدهی به روش فوق‌الذکر بود و عدد ۳ معرف میانگین جامعه بود. میانگین هر سه شاخص‌های نگرش، آگاهی و مشارکت سیاسی به طور معنی‌داری در دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف بالاتر از میانگین جامعه بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۳۴: آمار توصیفی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

شاخص سرمایه‌پذیری	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
نگرش سیاسی	۳/۱۱۶ $\pm$ ۰/۳۴۳	۰/۰۲۸*
آگاهی سیاسی	۳/۱۶۵ $\pm$ ۰/۴۷۵	۰/۰۲۵*
مشارکت سیاسی	۳/۱۷۴ $\pm$ ۰/۴۲۳	۰/۰۰۸*

$p < ۰/۰۵$ \*

ذ- تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه الزهرا

جدول ۳۵ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (میانگین و انحراف استاندارد) به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه الزهرا را نشان می‌دهد. با توجه به این که پاسخ هر سوال ۵ گزینه داشت و به هر گزینه عدد ۱ تا ۵ از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم تعلق گرفت، عدد ۳ در این تحقیق معرف میانگین هر سوال و نهایتاً هر پرسش‌نامه در نظر گرفته شد. همان گونه که در جدول ۳۵ قابل مشاهده است، میانگین تمام شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه الزهرا بطور معنی‌داری بالاتر از میانگین جامعه بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۳۵: آمار توصیفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه الزهرا

شاخص سرمایه اجتماعی	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
اعتماد	۳/۱۹۸ $\pm$ ۰/۴۴۷	۰/۰۰۵*
هنجار	۳/۱۶۱ $\pm$ ۰/۴۶۷	۰/۰۲۶*
شبکه‌های اجتماعی	۳/۱۹۴ $\pm$ ۰/۵۲۵	۰/۰۱۷*

$p < ۰/۰۵$ \*

جدول ۳۶ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی را هر یک به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه الزهرا نشان می‌دهد. امتیازدهی به روش فوق‌الذکر بود و عدد ۳ معرف میانگین جامعه بود. با وجود این که هر یک از شاخص‌های نگرش سیاسی، آگاهی سیاسی و مشارکت بالاتر از میانگین جامعه بود اما برتری آگاهی و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه الزهرا نسبت به جامعه از نظر آماری معنی‌دار بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۳۶: آمار توصیفی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه الزهرا

شاخص سرمایه جامعه‌پذیری	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
نگرش سیاسی	۳/۰۳۹ $\pm$ ۰/۳۵۲	۰/۴۵۴
آگاهی سیاسی	۳/۲۶۷ $\pm$ ۰/۴۸۹	۰/۰۰۱*
مشارکت سیاسی	۳/۱۴۸ $\pm$ ۰/۴۸۹	۰/۰۴۸*

۰/۰۵\*:  $p <$

ر - تحلیل شاخص‌های سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر

جدول ۳۷ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های سرمایه اجتماعی (میانگین و انحراف استاندارد) به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه امیرکبیر را نشان می‌دهد. با توجه به این که پاسخ هر سوال ۵ گزینه داشت و به هر گزینه عدد ۱ تا ۵ از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم تعلق گرفت، عدد ۳ در این تحقیق معرف میانگین هر سوال و نهایتاً هر پرسشنامه در نظر گرفته شد. همانگونه که در جدول ۴۵ قابل مشاهده است، میانگین شاخص‌های سرمایه اجتماعی اعتماد و هنجار دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بطور معنی‌داری بالاتر از میانگین جامعه بود ( $p < 0.005$ ).

جدول ۳۷: آمار توصیفی شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر

شاخص سرمایه اجتماعی	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
اعتماد	۳/۳۸۲ $\pm$ ۰/۴۴۳	۰/۰۰۰۱*
هنجار	۳/۱۷۱ $\pm$ ۰/۳۴۸	۰/۰۰۲*
شبکه‌های اجتماعی	۳/۱۰۵ $\pm$ ۰/۳۵۴	۰/۰۵۴

۰/۰۵\*:  $p <$

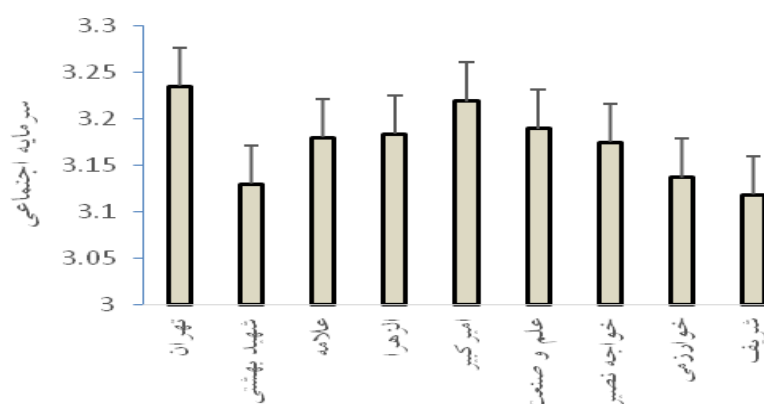
جدول ۳۸ آمار توصیفی و تحلیلی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی را هر یک به تفکیک در بین دانشجویان دانشگاه امیرکبیر نشان می‌دهد. امتیازدهی به روش فوق‌الذکر بود و عدد ۳ معرف میانگین جامعه بود. میانگین هر سه شاخص‌های نگرش سیاسی، آگاهی سیاسی، مشارکت سیاسی بطور معنی‌داری در دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بالاتر از میانگین جامعه بود ( $p < 0.05$ ).

جدول ۳۸: آمار توصیفی شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر

شاخص سرمایه‌پذیری	انحراف استاندارد $\pm$ میانگین	p
نگرش سیاسی	۳/۲۳۰ $\pm$ ۰/۴۶۴	۰/۰۰۲*
آگاهی سیاسی	۳/۲۳۱ $\pm$ ۰/۴۸۷	۰/۰۰۳*
مشارکت سیاسی	۳/۲۴۸ $\pm$ ۰/۴۱۶	۰/۰۰۱*

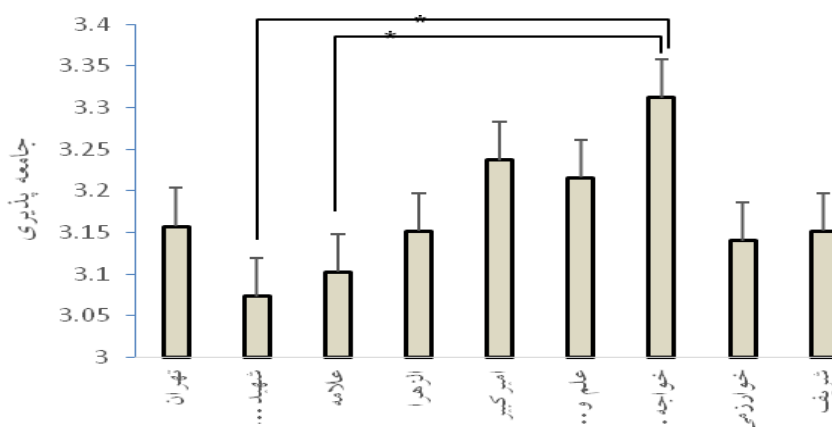
$p < ۰/۰۵$ \*

ز- مقایسه کلی سطح سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران به منظور مقایسه کلی دانشگاه‌های شهر تهران از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی موجود، میانگین شاخص‌های اعتماد، هنجار و شبکه‌های اجتماعی هر یک از ۹ دانشگاه به دست آمده و به وسیله تست آماری ANOVA میانگین‌های این شاخص کلی سرمایه اجتماعی در بین دانشگاه‌های منتخب مقایسه شد. بر مبنای نمودار ۳، ترتیب رده‌بندی میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشگاه‌های دولتی شهر تهران از بیشترین به کمترین عبارت بود از تهران، امیرکبیر، علم و صنعت، الزهرا، علامه طباطبائی، خواجه نصیرالدین طوسی، خوارزمی، شهید بهشتی و صنعتی شریف.



نمودار ۳: مقایسه میزان سرمایه اجتماعی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

همچنین به منظور مقایسه کلی دانشگاه‌های شهر تهران از نظر شاخص‌های متغیر جامعه‌پذیری سیاسی مورد مطالعه در این رساله، میانگین شاخص‌های نگرش سیاسی، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی هر یک از ۹ دانشگاه به دست آمد. سپس به وسیله تست آماری ANOVA میانگین‌های این سه شاخص در بین دانشگاه‌های منتخب مقایسه شد. همانگونه که در نمودار ۴ قابل مشاهده است، ترتیب متغیر جامعه‌پذیری سیاسی از بیشترین به کمترین عبارت بود از دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، امیرکبیر، علم و صنعت، تهران، صنعتی شریف، الزهراء، خوارزمی، علامه طباطبائی و شهید بهشتی. برتری جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی نسبت به دانشگاه‌های علامه طباطبائی و شهید بهشتی از نظر آماری معنی‌دار بود ( $p < 0.05$ ).



نمودار ۴: مقایسه میزان سطح جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جامعه‌پذیری سیاسی فرآیندی پیچیده و چند بعدی است و در نتیجه به منظور پیشبرد هرچه بهتر آن این گستردگی را می‌بایست در نظر گرفت. در پیش گرفتن برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های تک بعدی و با تأکید بر جنبه و یا مقطع زمانی و رویداد خاص شانس موفقیت بالایی را در این خصوص به همراه نخواهد داشت. از این رو توجه به وضعیت نرم‌افزاری بستر اجتماعی که در آن فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در پیش گرفته خواهد شد، یعنی توجه به وضعیت سرمایه اجتماعی ضرورت خواهد داشت. به هر میزان که سطح سرمایه



اجتماعی یک نظام سیاسی و نهادهای آن بیشتر باشد، در پیشبرد فرآیند جامعه‌پذیری و شکل‌دهی به دیدگاه‌ها و طرز تلقی شهروندان نسبت به امر سیاسی و پدیده‌های معطوف به این حوزه از زندگی بشری با موفقیت بیشتری عمل خواهند کرد و در این مسیر هزینه‌های مادی کمتری را خواهند پرداخت.

آزمون فرضیه‌های این پژوهش نشان داد که «سرمایه اجتماعی» به مثابه مهمترین مؤلفه نرم‌افزاری در پیشبرد فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی است. از این رو شناخت دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و ویژگی‌های رفتاری شهروندان و به طور اخص جامعه هدف این مقاله می‌تواند در پیشبرد هر چه موفقیت‌آمیزتر فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی مؤثر باشد. به استناد نتایج تحقیق، آزمون فرضیه اصلی مقاله نشان داد که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی در سطح دانشگاه، فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی از سطح موفقیت بالاتری برخوردار خواهد بود؛ زیرا بر طبق آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش با افزایش سطح «اعتماد» دانشجویان نسبت به دانشگاه، تأثیرپذیری آنها در فرآیند شکل‌گیری «نگرش سیاسی» بیشتر خواهد بود. در این خصوص یعنی افزایش سطح اعتماد دانشجویان نسبت به دانشگاهی که در آن مشغول به تحصیل هستند؛ اتخاذ اقداماتی نظیر بهبود سطح کیفی امکانات سخت‌افزاری علمی، پژوهشی و آزمایشگاهی؛ بهبود سطح کیفی امکانات رفاهی، ورزشی و اقامتی؛ پایش مداوم سطح کمی و کیفی آزمون‌ها و ارزیابی‌های علمی و تعمیق این ذهنیت در دانشجویان که دانشگاه در مقابل ارائه خدمات علمی، پژوهشی و رفاهی انتظار تمرکز بالای آنها بر مطالعه و پژوهش را دارد؛ انجام پژوهش‌های میدانی در خصوص راهکارهای افزایش اعتماد دانشجویان نسبت به دانشگاه؛ اتخاذ رویکرد شایسته‌سالاری در انتخاب مقامات و مسئولین دانشگاه؛ برگزاری دوره‌های آموزشی به منظور توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی در نتیجه افزایش اعتماد به نفس فردی که زمینه‌ساز اعتماد نسبت به دیگران و نهادها خواهد شد پیشنهاد می‌گردد.

از سوی دیگر آزمون فرضیه فرعی دوم مقاله نشان می‌دهد که به دلیل گسترش دایره منابع و امکانات دریافت اخبار، تحلیل‌ها و دانش سیاسی، وضعیت کیفی هنجارهایی که در درون دانشگاه‌های مورد توجه قرار دارد؛ بر شکل‌دهی آگاهی سیاسی دانشجویان تأثیر بسیار کمی دارد. از این رو به نظر می‌رسد توجه به راهکارهای تقویت فعالیت‌های رسانه‌ای در سطح دانشگاه و ایجاد رسانه‌های اطلاع‌رسانی پرتعداد و جذاب برای دانشجویان که متعلق به

دانشگاه باشد و همچنین ارتقای سطح کمی و کیفی تعامل دانشگاه با رسانه‌های برجسته و شناخته شده در قالب رویکردهایی مانند معرفی پژوهشگران برتر و معرفی و انعکاس فعالیت‌های تحقیقی و پژوهشی در سطح کلان و خرد می‌تواند؛ زمینه‌های بهره‌برداری مناسب از این ابزار را در فرآیند؛ رشد، آگاهی سیاسی دانشجویان فراهم آورد. همچنین حضور فعال‌تر نهاد دانشگاه در فضاها و شبکه‌های مجازی مورد تأیید در کشور، می‌تواند موجب افزایش وزن اثر بخشی دانشگاه در حوزه رسانه‌ای به مثابه عرصه‌ای که دانشجویان اخبار، تحلیل‌ها و دانش سیاسی و به طور کلی آگاهی سیاسی خود را از آن دریافت می‌دارند گردد. در نهایت آزمون فرضیه فرعی سوم مقاله نشان داد که رشد کمی و کیفی بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی به گسترش مشارکت سیاسی به مثابه یکی از شاخص‌های اصلی جامعه‌پذیری سیاسی منجر خواهد شد. بنابراین پیشنهادهایی نظیر درپیش گرفتن رویکرد حمایتی در تأسیس نهادها، انجمن‌ها و تشکل‌ها و محول کردن بخشی از امور اجرایی دانشگاه به آنها؛ توجه مضاعف به برگزاری فعالیت‌های جمعی مانند همایش‌ها و سمینارهایی با موضوعات کاربردی و جذاب برای دانشجویان، صنعت و بازار کار؛ پیش‌بینی مشوق‌های گوناگون در ترغیب دانشجویان به انجام کارهای گروهی در انجام فعالیت‌های دانشگاهی می‌تواند در این خصوص مفید باشد.

## منابع

### الف - فارسی

- ابوالحسنی، رحیم، (۱۳۹۲)، «کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی و سیاست»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۴.
- الوانی، مهدی، (۱۳۸۱)، «سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مدیریت، شماره ۳۴.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: سلام.
- تاجبخش، کیان، (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش*، تهران: علم.
- حسینی، سیدحسن؛ میرزایی ملکیان، محمد؛ توکلی، زهره، (۱۳۸۹)، «بررسی تاثیر خانواده بر جامعه‌پذیری سیاسی مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران»، *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، شماره ۱.
- خضری، محمد، (۱۳۸۵)، «دولت و سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳۱.
- دارا، جلیل، (۱۳۸۹)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت جریان اسلام‌گرا»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲۱.
- رفیع، حسین، (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی»، *فصلنامه رشد علوم اجتماعی*، شماره ۲.
- رنانی، محسن؛ مویدفر، رزیتا، (۱۳۹۱)، *چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران*، تهران: طرح نو.
- شارع‌پور، محمود، (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران: سمت.
- کاظمی، علی اصغر، (۱۳۷۴)، «آگاهی واژگونه»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۳۳-۱۳۴.
- محسنی، منوچهر، (۱۳۸۷)، *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران: دوران.
- مقدم‌فر، گلناز، (۱۳۸۸)، «جامعه‌پذیری سیاسی»، *روزنامه رسالت*، شماره ۶۸۲۴.
- منادی، مرتضی، (۱۳۸۷)، *درآمدی جامعه‌شناختی بر جامعه‌پذیری*، تهران: جیحون.

- نصیری، مرتضی، (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری عمومی، گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۷۸)، «تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی؛ مورد جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست خارجی، شماره ۳.
- هرمز، مهرداد، (۱۳۷۶)، زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی: جامعه‌پندیری سیاسی، تهران: پاژنگ.

#### ب- انگلیسی

- Bourdieu, P, (1985), *The Forms of Capital*, In Richardson, J. (ed), New York: Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education.
- Brunner, K, (1985), "The Poverty of Nations", *Business Economics*, No. 1.
- Evans, W. R. & Carson, C. M, (2005), "A Social Capital Explanation of the Relationship between Functional Diversity and Group Performance", *Team Performance Management*, 7-8.
- Foley, M. W. & Edwards, B, (1996), "The Paradox of Civil Society", *Journal of Democracy*, No. 7.
- Gordon, M, (1998), *Oxford Dictionary of Sociology*, Oxford: Oxford University Press.
- Halpern, D, (2005), *Social Capital*, Cambridge: Polity Press.
- Hazleton, V. & Kennan, W, (2000), "Social Capital: Reconceptualizing the Bottom Line", *Corporate Communications: An International Journal*, No. 2.
- Levi, M, (1996), "Social and Unsocial Capital: A Review Essay of Robert Putnam's Making Democracy Work", *Politics and Society*, No. 24.
- Milbrath, L. W. & Madanlal, G, (1977), *Political Participation How and Why People Get Involved in Politics*, Chicago: Rand McNally.
- Moran, P, (2005), "Structural vs. Relational Embeddedness: Social Capital and Managerial Performance", *Strategic Management Journal*, No. 12
- Putnam, R. D, (1993), *Making Democracy Work: Civic Traditions in*

*Modern Italy*, Princeton: Princeton University Press.

- Roskin, M.G, (1988), *Political Science, an Introduction*, New Jersey: Prentice Hall.

- Rothstein, B. & Stolle, D, (2002), "How Political Institution Create and Destroy Social Capital; an Institutional Theory of Generalized Trust". Paper to be presented at Collegium Budapest, Project on Honesty and Trust: Theory and Experience in the Light of Post-Socialist Experience Workshop 2: Formal and Informal Cooperation, November 22-23.

- Tendler, J, (1997), *Good Government in the Tropics*, Baltimore: Johns Hopkins University Press.

- Uslaner, E.M, (2003), "Democracy and Social Capital", in Warren, M. (ed), *Democracy and Trust*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Whiteley, P, (2000), "Economic Growth and Social Capital", *Political Studies*, No. 48.

